



۲۰۱۹/۰۴/۰۹



مسعود فارانی

تبصره یی بر اعتماد ناشناس بر سیاه سنگ آدمهای محیل چگونه از صفای مردم سوءاستفاده می کنند؟

در قدم اول باید عوامل اشتباه ناشناس را بررسی کرد آنهم در شرایطی که:
"..... دشمن ما در صدد تفرقه ما است. در این مرحله حساس که افغانستان به صلح و استقلال خود نزدیک می شود، آتش قهر و غضب در دل دشمن شکست خورده افروخته است. ایندسته آرزومند اند تا همانند شوروی وقت که بعد از خروج خود میخواست پل پای خود را و هم جنایت مرتکب شده اش را با جنگ های قومی نابود کنند....." (ع واحد حیدری)

بلی اکنون که افغانستان بادرایت رئیس جمهور ملی افغانستان جناب جلال ماب اشرف غنی توانسته است دست نفاق افغان خارجی و داخلی را حتی المقدور کوتاه ساخته و چهره های محیل دولت های همسایه را به ملت های جهان و ملت افغان معرفی کند؛ درچنین موقع حساس صادق فطرت ندانسته باز شکاربازی سیاسی می شود و غافل از همه قضایای ناشناسانه آتش غایله نفاق را به خواست دشمنان افغانستان بی موجب دامن میزند. ازین لحاظ موضوع کنونی ساده نبوده بجای گذشتن از آن تأملی برآن ضروری می باشد. برای شناخت دقیق قضیه، موضوعات را یکپیک بررسی می کنیم.

اول ، ناشناس با سیاه سنگ چگونه معرفی شد ؟

تا آنجای که در مقاله (حکایت ناشناس و پروژه سیاسنگ) نوشته جناب اعظم سیستانی در پورتال افغان جرمن آنلاين درجولای 2007 توضیح داده شده است، صبورالله سیاه سنگ در آن زمان در خط دفاع از زبان و فرهنگ پشتونها قرار داشت و ادعای پروژه ای را میکرد که هدفش معرفی شعراي پشتون و افکار و اندیشه های آنها برای جامعه تاجیکان و فارسی گویان داخل و خارج کشوری باشد و میتواند از این طریق برای وصل و نزدیکی مردم برضد دشمنان وطن خدمتی کند. آقای سیستانی که [در مهاجرت] با سیاه سنگ دوست شده بود، به او پیشنهاد میکند تا دو شخص از نامداران شعر و هنر پشتون یعنی جناب باری جهانی و آقای ناشناس را نیز شامل پروژه خود نماید و این دو چهره برجسته پشتون را به جامعه تاجیکان بیشتر معرفی نماید. سیاه سنگ به این پیشنهاد موافقت میکند. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به لینک ذیل:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/sistani_azam_hekayat_nashenas.pdf

علاوه برآن نگارنده (مسعود فارانی) که دوست جناب سیستانی و فطرت هست، بخاطر کار نیک سیاه سنگ، به او وعده نشر نتایج کار او را در پورتال افغان جرمن آنلاين داد. ارتباط سیاسنگ با ناشناس برقرار گردید و بعد از مدتی درازی که گذشت شکایت سیاه سنگ بلند شد که ناشناس آدم ممسک است و تمام خرج را من باید بپردازم و ناشناس خود را نمی خاراند. [یعنی برای تکمیل سوالاتم ناشناس بمن زنگ نمیزند تا مصرف تلفونش بالا نرود].

بنابراین پروژه کتاب ناشناس که تا آن زمان ادامه داشت، بخاطر یکجانبه بودن مخارج آن، از جانب سیاه سنگ بی بضاعت متوقف گردید. اما درین اواخر خبر شدم که کتاب در چند صد صفحه به اكمال رسید و در چند محفل از آن پرده برداری صورت گرفته است. صبورالله نیز سخاوتمندانه از کانادا به اروپا سفر میکند، برایم تعجب آور بود. (از دو بی بضاعت چنین سخاوتی بزرگ که مسافرت و برگزاری چندین محفل و نشر کتاب چه گونه باید تأمین و تدارک شده باشد؟)

سوال درینجاست این کتاب که دیر زمانی بخاطر مخارج آن متوقف شده بود چرا دوباره صبورالله سیاسنگ مخارج را نادیده گرفت و دوباره علاقه به اكمال آن پیدا نمود؟ عاملی که منجر به تخریب رجال و شخصیت های فرهنگی جامعه پشتون از سوی سیاه سنگ گردید، پس از آن بروز کرد که در سال 2008 برای تجلیل از سالروز سیاه سنگ که از جانب سایت کابل ناتنه براه افتاده بود هیچیک از قلمداران پشتون بشمول آقای باری جهانی در این تجلیل انترنتی مقاله یا تریک نامه ای بنام سیاه سنگ نفرستادند. سیاه سنگ از این پیش آمد نویسندگان پشتون سخت خفه و ناراض شد و تا جای که از مقاله گلایه آمیز جناب سیستانی در پورتال افغان جرمن معلوم می شود، وی خطرپشیمانی سیاهسنگ را از ادامه پروژه معرفی شاعران و نویسندگان پشتون احساس کرده بود. بنظرم تمام بزرگانیکه در تجلیل صبور الله شرکت نکرده اند واضح می شود که ماهیت و ظرفیت صبورالله را بهتری شناختند. به مقاله جناب سیستانی (دپشتانه فرهنگیانو ستره بی غوری دستر سیاه سنگ په مقابل کی)

که در 2008 / 8 / 31 در پورتال افغان جرمن آنلاين نشر شده توجه کنید:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/sistani_de_pakhtana_be_ghauri_siasang.pdf

بعد از آن سالگرد بود که ظرفیت سیاه سنگ آشکار شد و تغیر جهت داد و آستینها را بالا زد و اشعار باری جهانی را نفهمیده زیر سوال برد و در محفلی در استکهولم سویدن به سمع جهانی و حاضرین محفل سخیفانه رساند و سپس آن نقد را در صفحه فیسبوک خود نشر نمود. نویسنده که از زیر بار حب و بغض خود برآمده نتواند نویسنده نیست.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

ناشناس اکنون بجای اینکه بر این کار سیاه سنگ اعتراض نماید، برعکس هنوز هم مشکور آن محیل طرار نامرد باقی مانده است. سیاه سنگ پیمانی را که غرض نفاق افگنی باخود و با دشمنان افغانستان که بسته بود چون در مورد رحمن بابا نتیجه ای قانع کننده بر نداشت، باتکمیل کتاب ناشناس از عهده آن اینبار موفقانه بدر شد.

صبورالله خواست نفاقی را که منظورش بود از زبان یک پشتون در بین جناح ها براه اندازد و جنگ قلمداران را که منجر به جنگ علاقمندان آنها در بین جامعه شود محیلانه بفرمایش دشمنان پیاده نمود. غایله کنونی مؤید قول ماست. بخصوص محفل لندن طوری طرح ریزی شده بود که خبرنگاران مؤظف شده و ناشر کتاب در پی اثبات دسیسه بودند و ناشناس غافل از این همه دسیسه گمان میکرد که برآستی او را تجلیل! میکنند.

در خلص: سرزمینکه قلمدارانش مثل سیاه سنگ سیاه دل باشند، باید دشمنان این سرزمین ما را بیلعد.

نکته دیگر: کینه را که علیه ناشناس بر سر مخارج کتاب پدید آمده بود با این حیلله از او انتقام شخصی کشید. واضح شد که مخارج کتاب را از ولی نعمت خشنود شده باید چندین برابر این خس دزد دریافت کرده باشد.

بقول معروف: **نوشتن اندیشه صبوراالله نیست بلکه پیشه اوست.** چراکه این تقاضا را ناشناس از صبوراالله نکرده و نداشته است که او برای او چیزی بنویسد. پس چه ضرورتی بود که یک آوازخوان درجه چندم جامعه را که در برابر استاد قربانعلی خان، استاد نوروزعلی خان، استاد قاسم، استاد غلام حسین خان، استاد محمد حسین خان سرآهنگ، استاد رحیم بخش خان، استاد نتو خان استاد بریشنا، استاد میرزا نظرخان استاد صابرخان، استاد بی بدیل صدا جلیل خان خلاند که در روزهای اخیر زندگی اش کانسرت های در سطح بلند را که بنده شاهد ان بودم بخصوص در اجتماع افغانها بخاطر اشاعه حب وطن انجام داد. و یا کسانیکه الحمد لله در قید حیات هستند مانند استاد خیال، استاد الفت آهنگ، استاد الطاف حسین، استاد شریف خان غزل استاد نعیم خان نظری، استاد حسین بخش خان* را فراموش میکند و به دنبال ناشناس میرود. ناشناس که مقلد صدای سیگل هندی بوده از خود صدا ندارد. نه دکتورای او قابل ملاحظه است و نه هنر موسیقی وی. پس برجسته کردن چنین شخص را آنهم در **چندین صد صفحه** یا جنون است یا هم توطئه، که این امر برای اجماع خبیر و ملی سوال برانگیز است.

نتیجه آخر نهایی این همه زحمات و خم و چم رفتن های صبوراالله واضح شد که بخاطر برنامه محیلانه اش بوده است که بعد از یک ناکامی مفتضحانه اینبار در راه نفاق افگنی موفق شد. چراکه بقول جناب اعظم سیستانی، ناشناس بجای **تجلیل متأسفانه تذلیل شده است**، هم در کتاب وهم در اذهان جامعه و هیچ مفادی جز بزمین زدن صادق فطرت درین کتاب و غایله دیده نمی شود.

خطاب به صادق فطرت:

صحبت ناجنس اگر جان بخشدت همراه مرو
پای بوس سیل از پا افگند دیوار را
آب را دیدی که ماهی را بدام افگند و رفت
پا: برتواضع های دشمن تکیه کردن ابلهپست

*: از بزرگان موسیقی اگر شخصیتی نسبت به ضعف حافظه از بادم رفته باشد عمدی نبوده با بزرگوار می مرا ببخشایند و قبلاً از ایشان جدا معذرت می خواهیم.



درخت تناور یک سرزمین با تبرزن های کوچک گماشته شده نابود نشده و نمی شود

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی